

## بررسی جنسیت و تفاوت‌های آن در ادراک فضای شهری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۲

کد مقاله: ۴۸۱۲۸

سمیرا اللهقلی پور ملایوسف<sup>۱\*</sup>، مریم حافظی فر<sup>۲</sup>

### چکیده

فرآیند ادراک مردان از محیط شهری بصورت کل به جزء است. یعنی ابتدا کلیت درک شده سپس به جزئیات توجه میشود. اما در اغلب زنان فرآیند ادراک جزء به کل است. یعنی مردان ابتدا کلیات فرم بناها را درک می کنند و سپس جزئیات را اما زنان ابتدا جزئیات و سپس کلیات را درک می کنند. البته باید توجه داشت که این فرآیند در چند ثانیه اتفاق می افتد و در نهایت هر دو گروه (زنان و مردان) یک واقعیت را تجربه می کنند اما از نظر ذهنی، ذهن هر یک روی یک بخش تأکید دارد. روش اصلی پژوهش در این نوشتار روش توصیفی به همراه تحلیل محتوای کیفی و تحلیل داده های برداشت شده با روش مطالعات میدانی انجام شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد تفاوت های جنسیتی نمود بارزی در ادراک سه بعدی، جهت یابی در محیط شهر، نوع خوانایی محیط، مهارت نقشه خوانی و در نهایت روش های مسیر یابی و راهیابی پیدا می کنند. بنابراین مولفه های مذکور را می توان به عنوان اصلی ترین انگاره های تفاوت های ادراکی در محیط شهری به شمار آورد. البته همه اینها مرهون تفاوتها در ساختار مغز انسانها بوده که البته هم برای زنان و هم برای مردان بصورت اکتسابی قابل تغییر است. در نتیجه با در نظر گرفتن و توجه به مولفه های بسیار ظریفی قادر خواهیم بود تا فضای مشترک مطلوب تری برای هر دو گروه طراحی نماییم. در انتها با ارائه چند راهکار تلاش شده تا به این فضای مطلوب نزدیک شود.

واژگان کلیدی: جنسیت، ادراک، فضای شهری، معماری

۱- دانشجوی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

[Samira.allahgholipour@yahoo.com](mailto:Samira.allahgholipour@yahoo.com)

۲- استادیار گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

نحوه ادراک محیط یکی از مباحث و مفاهیم کلیدی در حوزه مطالعات متقابل انسان - محیط در مقیاس های کلان و خرد است. از آنجا که نظام عصبی و ادراکی انسان مسوول برقراری ارتباط بین انسان و محیط زیست اوست و امکانات و محدودیت های خاصی دارد لذا نمی توان بدون توجه و اشراف کافی به فرایندهای درک و فهم محیط از سوی مردم و سازو کارهای مرتبط با آنها، مبادرت به مداخله در محیط کرد. زیرا همین درک و فهم است که در نهایت تعبیر و تفسیر آنان را از محیط و جهان پیرامونشان شکل می دهد و اغلب به شکل رفتار در محیط بروز و ظهور پیدا می کند. از سوی دیگر، تجربیات جهانی نشان می دهد، در فرایند ادراک محیط و نتایج آن، بین زنان و مردان تفاوت هایی نیز وجود دارد. اگرچه این موضوع در کشور ما به طور مستقل کمتر مورد بررسی دقیق قرار گرفته است، اما نتایج چنین آزمایش هایی، هرچند کنترل شده و محدود، می تواند تاثیر قابل توجهی در برنامه ها و طرح های ارتقای کیفیت محیط زیست انسانی داشته باشد.

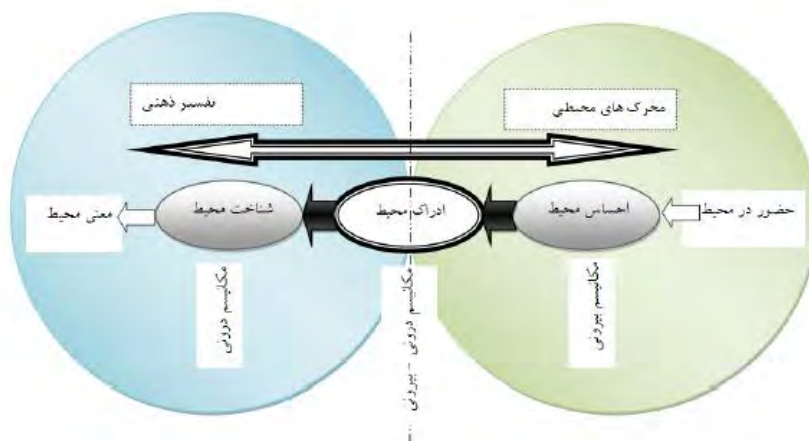
## ۲- مبانی نظری

### ۱-۲- فضای شهری

جهت تبیین مفهوم فضای شهری نیازمند آن هستیم که تعریف کالبدی فضای شهری که عبارت است از «فضاهای بین ساختمان ها در شهرها و سایر مکان ها» (کریر، ۱۳۸۳ : ۱۵) را کنار گذاشته و این فضا را از دید «فضای زندگی روزمره شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار ادراک می شود» (پاکزاد، ۱۳۹۱ : ۳۲) بنگریم. اینجاست که ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر رابطه ای پویاتر پیدا کرده و به عبارت دیگر، واژه ی فضای شهری صرفا به فضای میان ساختمان ها، اطلاق نمی شود یعنی فضاهای خالی متمایز از توده ی اجسام، بلکه این مفهوم را باید در معنای کلی به کار گرفت که تمامی ساختمان ها، اشیاء و فضاهای محیطی شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آنها را در برگیرد. رابطه جنسیت و فضای شهری امروز یکی از بحث های اساسی برای طراحی مطلوب در عرصه جهانی است و نحوه نگرش و چگونگی سازمان دهی فضای زندگی را از جنبه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... متاثر ساخته است. ورود زنان به بازار کار و جامعه، نقش تازه آنها را در تقسیم کار اجتماعی، کیفیت و تقسیم نوع حضورشان را در عرصه عمومی نیز تغییر داده و مجموعه تازه ای را از الگوها شکل داده است. با توجه به مرد محور بودن طراحی شهرها و فضاهای شهری، از کیفیت حضور، مشارکت و تعاملات اجتماعی نیمی از جامعه در این فضاها غفلت شده است (پاکزاد، ۱۳۹۱ : ۳۲۳) به طور کلی فضای شهری در ایران به دو دوره ی سنتی و مدرن تقسیم بندی می گردد. در دوره ی اول فضاهای عمومی کم و محدود بوده که شامل بازار، مسجد، قهوه خانه و ... بوده است که البته همین فضاهای عمومی، عموما مردانه بوده و حضور زنان در آنها بسیار کم رنگ بوده است. در دوران مدرن به دنبال تغییرات سیاسی و اجتماعی، فضاهای عمومی جدیدی نظیر پارک و فضاهای اداری بوجود آمد که البته این فضاها نیز باعث افزایش حضور زنان در جامعه نشد. بر اساس پژوهش های انجام شده، یکی از دلایل روانی حضور کم رنگ و بی کیفیت زنان در بسیاری از فضاهای عمومی شهر که مستلزم ایفای نقش اجتماعی است، توجه زیاد زنان به ابعاد زیبایی شناسانه محیط، عناصر، مبلمان شهری و تضاد یا عدم تغایر زیاد معماری فضاهای شهری با ویژگی های روان شناسانه و جامعه شناسانه زنان است. در این زمینه توجه به ویژگی های معماری زنانه فضاهای شهری از محیط کار تا مبلمان شهری، میتواند در افزایش رغبت و حتی ماهیتش ترس زنان از حضور در شهر موثر باشد (نادری، ۱۳۹۲ : ۲۱۲)

### ۲-۲- ادراک

ادراک به معنی فرایندی ذهنی یا روانی است که گزینش و سازمان دهی اطلاعات حسی و نهایتا معنی بخشی به آنها را به گونه ای فعال به عهده دارد. پدیده ادراک، فرایندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی معنی دار می شود و از این راه انسان روابط امور و معانی اشیاء را در می یابد (ایروانی و خدایناهی، ۱۳۷۱، ۲۲) ادراک به اندازه ای سریع در ذهن آدمی صورت می گیرد که هم زمان با احساس به نظر می رسد. ادراک به دنبال احساس های مجزا از هم صورت نمی گیرد، بلکه ذهن افراد، آنها را به عنوان مجموعه ای معنی دار و در ارتباط با هم در می یابد. تجربیات و یادگیری های قبلی، حالت انگیزش در لحظه ادراک به سرعت فراهم می آید و بر ادراک تاثیر زیادی دارد هر ادراکی بر اساس انتظارات و پیش داوری های ادراکی صورت می گیرد. در مجموع می توان گفت، تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده اند، در مغز صورت می گیرد این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می انجامد در حقیقت ادراک مرحله مابین، احساس و شناخت محیط است. احساس مکانیسم بیرونی است شناخت مکانیسمی درونی است. ادراک به عنوان مرحله مابین این دو مکانیسمی بیرونی و درونی دارد به همین دلیل بخشی از ادراک که مبتنی بر واقعیات بیرون از ذهن و در محیط است بین افراد فرایندی مشابه دارد اما بخش دیگری از ادراک که بر پایه فرایندهای مغزی و ذهن فرد است کاملا شخصی و منحصر به فرد اتفاق می افتد (شاه چراغی و بندر آباد، ۱۳۹۴، ۱۷۷)



نمودار شماره ۱- مکانیسم درونی-بیرونی ادراک (ماخذ: شاه چراغی، بندرآباد، ۱۳۹۴)

### ۳-۲- عوامل موثر بر ادراک

#### ۳-۱- عوامل اجتماعی

ادراک به عنوان مکانیزم تنظیم کننده و انطباق دهنده رفتار انسان در محیط زندگی اوست و عوامل اجتماعی موثر در ادراک عبارتند از زمینه های فردی و زمینه های اجتماعی که هر یک زیر مجموعه های دارد. در تحلیل عوامل فردی می توان گفت، سازمان یابی ادراک به تجربیات گذشته، نیازها، انگیزه ها و مکانیزم های دفاعی اشخاص بستگی دارد. اما در تحلیل عوامل اجتماعی مکتب ایمز شرح می دهد: هر ادراک آدمی، ادراکی خاص و مشخص است، خواه موضوع مورد ادراک شی باشد یا شخص، امکان ادراک های گروهی یا مشترک نیز وجود دارد مشروط بر آن است تجربیات و کوشش ها، نیز بین افراد گروه تقسیم شده باشد و در فعالیتی مشترک به تعامل بپردازند (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱، ۱۹۴). بنابراین می توان در یک اجتماع به ادراک زیبایی رسید. رفتار انسان و طرز فکر و به ویژه ادراک او، فعالیت های غیر ارادی و یا ارادی نیستند، بلکه به عنوان نتیجه یا حاصل یک تعامل میان فرد و محیط او در نظر گرفته می شود تعامل ادراکی موجب چنین موضوعی می شود که عبارت است از، یک طرف شامل فرد ادراک کننده و شی مورد ادراک و از طرف دیگر وجود موقعیتی که این دو در آن به نحو فعال مشارکت دارند (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۱، ۱۹۵). بنابراین نقش "پیش فرض ها" در ادراک اساسی است.

#### ۳-۲- تفاوت های ادراکی

بخشی از ادراک وابسته به ویژگی های محیط بیرونی است و بخش دیگر آن بر اساس ویژگی های شخصی فرد شکل می گیرد. مثلا نوع حرفه در این امر موثر است. از جمله می توان گفت سن انسان و جنسیت وی نیز بر نوع ادراک بسیار اثر گذار است.

#### ۴-۲- ادراک و عوامل محیطی در فضاهای شهری

ادراک ذهنی افراد از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه به حس مکان تعبیر می گردد که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می دهد، به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می خورد و با آن هماهنگ می گردد. این حس عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه ای برای افراد می گردد (انصاری، ۱۳۹۲). پژوهش های صورت گرفته درباره محیط های انسان ساخت، نشان می دهد که محیط، علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام ها، معانی و رمزهایی است که افراد بر اساس نقش ها، توقعات، انگیزه ها و دیگر عوامل آن رمزگشایی و درک می کنند (اپاپورت، ۱۳۸۴) و در مورد آن بر اساس میزان درک خود قضاوت می کنند. این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد با محیط و در نهایت رضایت استفاده کنندگان و ایجاد حس تعلق آنها با محیط می شود. می توان گفت حس تعلق، سطح بالاتری از ادراک فضا است، به این معنا که فرد خدا را به واسطه حضور مداوم در مکانی که در آن رشد کرده، تعریف می کند و بر اساس تجربه های خود از نشانه ها، معانی و عملکردها، شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن خود تصور می کند و خود را جزئی از آن مکان می داند. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می باشد و در نتیجه مکان برای او قابل فهم و احترام می گردد (فلاح، ۱۳۸۵). این حس ادراک و تعلق به مکان از جنبه های مختلف روان شناسی قابل تفسیر است. تعلق به مکان، توانایی محیط را برای کمک به فرد در نیل به اهداف معین منعکس می سازد و چگونگی ارزیابی آن مکان برای یک فرد را مشخص می سازد (Sedman, 2003). از این رو به نظر می رسد معنی حس در انگاره «حس تعلق» علاوه بر اینکه بر شناخت، تجربه و قضاوت محیط (شامل پدیده های پیرامون از جمله انسان ها، مکانها، فعالیت ها و معناها و ...) استوار است بیشتر بر رابطه عاطفی و محبت

بین انسان با پدیده‌ها و محیط پیرامون او تاکید دارد. عوامل شکل دهنده حس مکان در دیدگاه‌های مختلف در دو گروه عوامل ادراکی-شناختی و عوامل کالبدی(انصاری، ۱۳۹۲) بیان شده است. عوامل کالبدی، شامل تنوع بصری، شخصیت محیطی، خوانایی، هماهنگی و سایر عوامل ملموس فیزیکی می باشد. همچنین عوامل ادراکی-شناختی نیز شامل ادراک معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی می باشد که اغلب به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه درک می گردد.

## ۲-۵- تفاوت‌های زنان و مردان در احساس محیطی در فضای شهری

گیرنده‌های حسی مثل چشم، گوش، بینی، زبان، پوست در زنان و مردان ویژگی‌های فیزیولوژیکی یکسان اما توانمندی‌های گوناگون دارد.

### ۲-۵-۱- تفاوت‌ها در بینایی

زنان جزءین تر از مردان هستند. توجه زنان به جزئیات محیط، ویتترین‌ها، پنجره‌ها، تزئینات، ...بیشتر است. دامنه دید زنان وسیع تر از مردان است. زنان می توانند حداقل یک زاویه ۴۵ درجه را از هر طرف آنچه در بالا و پایین است ببینند. زاویه دید برخی از زنان ۱۸۰ درجه است. به دلیل تنوع بیشتر در سلول‌های میله‌ای شبکیه چشم، دید زنان بیشتر از مردان است اما عمق دید مردان طول بیشتری از عمق دید زنان دارد یعنی مردان مسافت‌های دورتر را با وضوح بیشتر می بینند. زنان قدرت تشخیص رنگ بیشتری دارند و اختلاف بسیار ظریف رنگ‌ها را درک می کنند ولی مردان این گونه نیستند مردان در طول روز تیزبین تر از زنان هستند. اما سازگاری با تاریکی در زنان سریع تر رخ میدهد. مردان دید تونلی داشته و قادر به دیدن وضاح مسافت‌های دورتر هستند. زنان طیف رنگی گسترده تری از شناسایی می کنند. زنان در محیط شلوغ و پر جزئیات، عناصر بیشتری را ادراک کرده و زودتر از مردان خسته می شوند. زنان از حافظه قدیمی، قدرتمند و تصاویر ذهنی غنی و پر جزئیات برخوردارند.

### ۲-۵-۲- تفاوت‌ها در شنوایی

قدرت شنوایی زنان بیش از مردان است. آنها حساسیت شنوایی زیادی دارند زیرا در مغز خانم‌ها، پالایه یا صافی(فیلتر صوتی به قدرت پالایه صوتی در مغز آقایان نیست و زنان همه صداهای موجود در محیط را می شنوند. پالایه صوتی در مغز، برخی اصوات را حذف می کنند. بنابراین مردان می توانند بر صداهای انتخابی خود تمرکز کنند اما زنان قادر نیستند.

### ۲-۵-۳- تفاوت‌ها در چشایی و بویایی

ما بیش از ده هزار گیرنده چشایی برای تشخیص چهار مزه اصلی(به علاوه مزه پنجم یعنی چربی) داریم. زنان در تشخیص شیرینی و مردان در تشخیص شوری و تلخی قویترند. زنان به مرور زمان باعث بالا بردن ذائقه شیرین پسند فرزندان می شوند. هم چنین اغلب به طعم تک تک مواد حساس اند اما مردان این گونه نیستند. همان طور که در بخش احساس محیط توضیح داده شد، حواس بویایی و چشایی با هم مرتبط اند. همان گونه زنان حس چشایی حساس تری دارند، آنها نسبت به بو در محیط نیز حساس تر از مردان هستند.

## ۲-۶- نقش جنسیت در ادراک و کارایی فضا شهری

ادراک فضا، از مهمترین و پیچیده ترین ابعاد شناخت و سنجش آن می باشد. طی چند دهه اخیر، مطالعات بسیاری درباره وجوه مختلف و روانشناسی ادراک در عرصه پژوهشی انجام گرفته و در مرکز این مطالعات، منظر رشد یافته ای درباره تفاوت‌های ادراک شکل گرفته است. تفاوت‌های ادراک انسانها معلول تفاوت‌های نگرشی، سنی، فرهنگی، شغلی، جنسی و غیره می باشد. آنچه را که در بحث ادراک باید مورد توجه قرار داد، این است که به رغم تشابه دستگاه احساس و ادراک در همه انسانها، هر یک ادراک متفاوتی از پیرامون خود دارند. از این رو، ادراک متفاوت از محرک‌های مشابه، میتواند نتیجه ترکیب عوامل متعددی باشد و تنها یک عامل تأثیرگذار به تنهایی نمیتواند تعیین کننده آنچه ادراک می شود، باشد.

جنسیت به عنوان مؤلفه پنهان در ارتباط با فضای شهری، مورد کم توجهی قرار گرفته است. جامعه‌شناسان بین جنس و جنسیت تفاوت قائلاند. جنس براساس تفاوت ویژگیهای جسمی به وجود می‌آید، در صورتی که جنسیت معرف باورها و رفتارهایی است که مرد یا زن بودن را نشان می‌دهند و مفهوم آن در فرهنگ‌ها و طبقات مختلف اجتماعی تغییرپذیر است. (Holmes, 2005, pp26-37) جنس و جنسیت با حدود بدن افراد تعریف نمی‌شود بلکه با مناسبات اجتماعی ارتباط دارد و از طریق فضا شکل گرفته و بسط پیدا می‌کند (Tonkiss, 2006, p147) جنس، یک واقعیت جسمی و زیست شناختی بوده و جنسیت یک مفهوم اجتماعی است که در ساختار اجتماعی شامل مفاهیم مردانگی و زنانگی در فرایند اجتماعی شدن افراد است (Cuthbert, 2006, p128) ساختار اجتماعی در کنار باورها و تصورات افراد در مورد مرد و زن بودن نقش مهمی در شکل

گیری رفتار جنسیتی آنها ایفا می‌کند. مفهوم جنسیت در فرهنگ های گوناگون و طبقات مختلف اجتماعی تغییر کرده است؛ آنها به شیوه های مختلفی مرد و زن بودن را نشان می دهند و به طرق گوناگون در زندگی افراد به کار می گیرند، به طوریکه در تمامی فرهنگها انتظارات خاصی بر زنان و مردان تحمیل می شود (Holmes, 2005, pp36-63) به دلیل وجود تفاوت بین زن و مرد، از نظر جنسی و جنسیتی، زنان و مردان نیازهای متفاوتی دارند. جنسیت بیانگر نوعی رابطه است که بر مبنای این واقعیت زنان و مردان تجارب متفاوتی در مسیر زندگی دارند (Khani, 2006, p2) تحقیقات به عمل آمده حاکی از آن است که به رغم همزیستی مسالمت آمیز فضایی، مردان و زنان، نه تنها به شیوه های متفاوتی از فضا استفاده می کنند، بلکه تجربه آنها در رابطه با فضا نیز تا حدودی متفاوت است. زنان فضاهای شهری را به فضاهای "امن" و "ناامن" تقسیم می کنند. این امر باعث میشود، زنان در برخی از فضاهای شهری به تنهایی حرکت کنند، درحالی که ترجیح می دهند در برخی از فضاهای شهری تنها به همراه دیگران و یا توسط خودرو عبور کنند. (Stevenson, 2014, pp75-77) درباره شاخص امنیت میتوان گفت که جنسیت مؤثرترین عامل شخصیتی در احساس ناامنی مطرح شده است. مردان در مورد امنیت محیطشان در قیاس با زنان، احساس مثبت تری دارند. هم مردان در تاریکی احساس ناامنی می کنند و هم زنان، اما میزان آن در زنان بالاتر است (Bemanian, 2009, p52)

## ۲-۷- تفاوت های زنان و مردان در ادراک فضا

تفاوت های جنسیتی در فضای عمومی شهری می توانند سر منشاء بسیاری از عوامل تاثیر گذار بر کیفیت محیط شهر باشند. بررسی این گزاره نیازمند درک دقیق از مفهوم ادراک محیط شهری است. تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده اند، در مغز صورت می گیرد. این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می انجامد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه تفاوت های جنسیتی شهروندان می تواند باعث تغییر برداشت حسی و در نهایت ادراک آنان از محیط شهری شده و عوامل و انگاره های این گونه ادراک کدامند؟

عمده ترین تفاوت زنان و مردان این است که زنان ادراک جزءگرا و مردان ادراک کل گرا دارند. هنگام قرارگیری در فضایی شهری، زنان به جزئیات و پیرامونها، پنجره ها، تزیینات نما و غیره توجه میکنند و مردان در تشخیص کلیت فضا و جداره ها قدرتمندتر هستند. بنابراین در طراحی یک فضای عمومی، الزم است جزئیات عناصر، در کنار کلیت فضا تعریف شده باشد. (Bemanian, 2009, p340) زنان در محیطی با جزئیات بیش از حد، بیشتر احساس سردرگمی میکنند. از اینرو، در فضاهایی مانند اتوبانها که سرعت بالاست و توجه به سوی عناصر محدودی جلب میشود، مردان به راحتی دید خود را متمرکز میکنند. برای هموار کردن شرایط برای زنان نیز الزم است محیط پیرامون را کم جزئیات نگه داشت تا توجه به سوی نقطه روبه رو جلب شود و زیادی اطلاعات موجب سردرگمی نشود (Bemanian, 2009, p340) زنان در محیط های شلوغ بیش از مردان انرژی مصرف نموده و زودتر خسته و عصبی میشوند. تجسم فضایی یکی از قویترین توانایی های مردان است. خانم ها در تشخیص اشکال دو بعدی و مردان در تجسم احجام سه بعدی بهتر عمل می کنند. حس جهت یابی مردان، قویتر از زنان است. مردان به دلیل تجسم فضایی بهتر، قادرند به خوبی نقشه شناختی، موقعیت خود و عناصر مهم را نسبت به هم بیابند. از آنجاکه در چنین نقشه ای عناصر تصور شده، تنها عناصر مهم شهر بوده و مجموعه ای خالصه و کلی از واقعیت است، جزئیاتی ندارد که مردان در به خاطر سپاری آنها دچار مشکل شوند. برای کاهش ضعف خانمها، باید برای جهت یابی خانمها از نشانه های شاخص استفاده نمود و برای تقویت جهت یابی آقایان در شهر، تعبیه نشانه های بزرگ و کلی کافی خواهد بود. (Pakzad & Bozorg, 2012, p347) البته این تفاوتها بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. از آنجایی که تفاوت های جنسیتی خاص هر فرهنگ است، برای آگاهی از آنها بررسی فرهنگی که قصد طراحی برای آنها را داریم ضروری و طراحی مقوله ای موقعیت محور است (Pakzad & Bozorg, 2012, p339)

## ۳- نتیجه گیری

محیط فضا و به طور عام، فضاهای معماری و شهرسازی در دهه های اخیر افق های جدیدی را در پژوهش های مرتبط با جنسیت گشوده است. به طور کلی، شناخت تفاوت های میان زنان و مردان، نقش مهمی بر رفتار هر یک از آنها در فضاهای معماری ایفا می کند. آشنایی با این تفاوت ها برای سازگاری، نشاط و آرامش زندگی اجتماعی امری ضروری است. همچنین می توان ابعاد دیگر آشنایی را در محیط اجتماعی و طراحی فضاها مشاهده و یک نوع موازنه در این زمینه را با در نظر گرفتن روان و ادراکات ذهنی آنان مد نظر قرار داد. تفاوت های جنسیتی در فضای عمومی شهری می توانند سر منشاء بسیاری از عوامل تاثیر گذار بر کیفیت محیط شهر باشند. بررسی این گزاره نیازمند درک دقیق از مفهوم ادراک محیط شهری است. تفسیر و تعبیر آنچه گیرنده های حسی ما از محیط پیرامون دریافت کرده اند، در مغز صورت می گیرد. این عمل، ادراک نام دارد که به شناخت می انجامد. ادراک فضای شهری، اولین گام در جهت برقراری ارتباط فرد با محیط است و این شناخت، سبب شکل گیری تصویر ذهنی و در نتیجه آن نقشه شناختی از فضا می شود که جنسیت و آشنایی با محیط تأثیر به سزایی در این فرآیند دارند. فضای شهری بستر زندگی اجتماعی است که پذیرای اقبال گوناگون جامعه میباشد و برآورده نمودن نیازهای شهروندان ویژگی اصلی یک فضای شهری موفق است. این نیازها به نسبت جنسیت افراد دارای تنوع و تمایز میباشد. در واقع انسانها به هنگام

حضور در فضا از طریق حواس پنجگانه خود با محیط ارتباط برقرار نموده و آن را طی فرآیندی ادراک میکنند. مهمترین بخش شکلگیری این رابطه، ایجاد تصویر ذهنی مناسب در ذهن افراد می باشد. با قرارگیری در محیط طی فرآیندی ناخودآگاه، ساختار فضا به طور کلی در ذهن افراد مجسم و ثبت شده و این تصویر به هنگام مراجعه بعدی به فضا، نقشه ای ذهنی در اختیار آنها قرار می دهد. گرچه فرآیند شکل گیری تصویر ذهنی در افراد به سبب تفاوت های ادراکی متأثر از جنسیت، سن و نیازهای افراد متفاوت می باشد، اما در کنار این تفاوتها، تصاویر ذهنی با یکدیگر دارای شباهت هایی نیز می باشند. بنابراین زنان و مردان ۱۵-۶۴ سال که گروه بزرگسالان فعال جامعه را تشکیل می دهند، در ادراک شناختی خود دارای شباهتهایی می باشند و هدف از پژوهش حاضرین بود که به این مهم دست یابیم.

زنان و مردان در فرآیند مسیریابی دریافت متفاوتی از محیط دارند، برای مثال مردان از موقعیت یابی، ویژگیهای هندسی و فرم محیط در فرآیند ادراک و جهت یابی در مسیر استفاده می کنند، در حالیکه زنان از نشانه ها در این فرآیند استفاده میکنند. شایان ذکر است زنان در دیدن و تشخیص اشکال دو بعدی و مردان در اشکال سه بعدی بهتر عمل می کنند، بنابراین حس جهت یابی در مردان قوی تر است و قادرند به خوبی تصاویر، موقعیت خود و عناصر مهم مسیر را تشخیص دهند. همچنین آنها توانایی چرخش در ذهن را برای تشخیص جهت دارا می باشند. لذا برای کاهش ضعف جهت یابی در زنان باید از نشانه های شاخص استفاده نمود و در مقابل برای تقویت آن در مردان، تعبیه نشانه های بزرگ و ساده کلی، کافی خواهد بود.

## منابع

۱. کریر، راب. (۱۳۸۳) فضای شهری، ترجمه خسرو هاشمی نژاد، نشر خاک.
۲. پاکزاد، جهانشاه و حمیده بزرگ. (۱۳۹۱)، الفبای روان شناسی محیط برای طراحان. چاپ اول. تهران: انتشارات آرمانشهر.
۳. نادری، سارا. (۱۳۹۲)، درآمدی بر روایت زنانه از شهر. چاپ اول. تهران: تیسرا
۴. ابروانی، خدایناهی، محمدکریم (۱۳۷۱)، روان شناسی احساس و ادراک، انتشارات سمت، تهران، چاپ هشتم ۱۳۸۳
۵. شاه چراغی، آزاده، بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، محاط در محیط، کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، انتشارات جهاد دانشگاهی سازمان تهران
6. Khani,F(2006),Gender and Development. Social and Cultural Planinig office of the Ministry of science, research technology.
7. Holmes,M(2008),Gender and everyday life(M.M labibi Trans).tehran afkar publication
8. Tonkiss F(2005),space,the city and social theory: social relations and urban forms.h.parsi & aflatooni, ATRNS).TEHRAN: TEHRAN University
9. Pakzad j & Bozorg,H(2012).Alphabet of Psychological Environment for Designers(Alefbaye Ravanshenasie Mohit Baraye Tehran).Tehran: Utopia Publication.
10. CuTHBERT,A(2006).The form of cities:Political Economy and urban design. Oxford:Blackwell publishing
11. Stevenson,D(2003), , Culture of Cities, Park Milton, Oxon, and New York, NY:Rutledge
12. Bemanian,M.R,Rafieian,M & Zabetianm,E.(2009).Evaluation of Factors Affecting the Promotion of Womens Safety in urban environments(sanjeshe avamele moaser bar erteghaye amniate zanan dar mohithaye shahri)